



« الدرس الثاني » ❁

« صناعة التلميح في الأدب الفارسي »

قالت: رأى فؤادي من هجرِكِ القيامة	دی نکه از محارم اندر رسید نامه
قالت: دموع عيني لم تكف بالعلامه	گفتم که: عشق و دل را باشد علامتی هم
قالت: فمرّ صحیحاً بالخیر و السلامه	گفتا که: می چه سازی گفتم که مر سفر را
من جرب المجرب حلت به الندامه	گفتم و فانداری، گفتا که: آزمودی
قالت: تريد و صلی سراً و لاکرامه	گفتم: وداع نایی و اندر برم نکیری
قالت: ألسنت تدری العشق و الملامه	گفتا: بکیر زلفم، گفتم: ملامت آید

سنائی غزنوی (متوفی ۵۴۵ هـ. ق)

« الملمع بيت أو شعر يُنشِدُ الشاعرُ أحدَ مصراعِهِ بالعَرَبِيَّةِ و أحداً آخرَ بالفارسيَّةِ . »

اسم الفاعل و المفعول

در زبان فارسی انجام دهنده ی کار را صفت فاعلی می گوئیم. کارگر- راننده- نویسنده- شنونده - گوینده - آهنگر - ...

و کسی که کار بر آن واقع شده را صفت مفعولی می نامیم. مانند: ساخته - رانده - شنیده - اداره شده - دیده و ...

در زبان عربی به صفت فاعلی، اسم فاعل و به صفت مفعولی اسم مفعول می گویند.

اسم فاعل به معنای «انجام دهنده کار یا دارنده ی حالت» و اسم مفعول به معنای «انجام شده و انجام شونده» است.

اسم فاعل و اسم مفعول در زبان عربی از دو گروه فعل ساخته می شوند. گروه اول فعل هایی هستند که حرف زائد ندارند که

در عربی فعل ثلاثی مجرد (سه حرفی تنها) گفته می شوند. مانند: صَنَعَ - خَلَقَ - عَبَدَ.

گروه دوم فعل هایی هستند که علاوه بر سه حرف اصلی یک یا دو یا سه حرف زیادی دارند که در عربی ثلاثی مزید نامیده

می شوند. مانند: شَاهِدَ - قَلَدَ - أَرْسَلَ.

طریقه ساخت اسم فاعل و اسم مفعول:

یادآوری: اسم فاعل از ثلاثی مجرد بر وزن « فاعِل » می آید و مفرد و مثنی و جمع مذکر و مؤنث دارد. [یعنی ۶ صیغه]

مثال: نَظَرَ ← ناظر: بیننده / كَتَبَ ← كاتب: نویسنده / هَجَمَ ← هاجم: حمله کننده / حَفَظَ ← حفظ کننده.

قبلاً با این نوع اسم فاعل آشنا شده اید.

اما برای ساخت اسم فاعل از فعل های ثلاثی مزید به شکل زیر عمل می کنیم.

۱- مضارع فعل را می گیریم.

۲- حرف «ی» را از ابتدای مضارع بر می داریم.

۳- بجای «ی» ← «م» اضافه می کنیم.

۴- حرکت دومین حرف اصلی را کسره (ِ) می دهیم.

مثال ۱: اعتمد ← مضارع اعتمد ← حذف «ی» و افزودن «م»  
و کسره دادن عین الفعل  
مُعْتَمِد: اعتماد کننده

مثال ۲: شاهد ← مضارع يشاهد ← اسم فاعل شاهد: بیننده

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: ۱: صُنْعِ مِنَ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ اسم الفاعل:

۱- حَمَلَ (.....) ۲- هَجَرَ (.....) ۳- جَرَّبَ (.....) ۴- تَعَلَّمَ (.....) ۵- أَرْسَلَ (.....) ۶- اسْتُخْدِمَ (.....)

طریقه ساختن اسم مفعول:

اسم مفعول از فعل های ثلاثی مجرد بر وزن مفعول می آید. مانند: حَمَدَ ← محمود / جَهَلَ ← مجهول

قبلاً با ساختن اسم مفعول از ثلاثی مجرد آشنا شده اید، اما طریقه ساختن اسم مفعول از ثلاثی مزید:

همانند اسم فاعل مزید عمل می کنیم با این تفاوت که حرکت دومین حرف اصلی را فتحه (ک) می دهیم.

قَدَّ ← مَقْلَدٌ: تقلید کننده ← مَقْلَدٌ: تقلید شده. (اسم مفعول ← مَقْلَدٌ)

اسْتَعْفَرَ ← مُسْتَعْفِرٌ: آمرزنده ← مُسْتَعْفِرٌ: آمرزیده شده. (اسم فاعل ← مُسْتَعْفِرٌ)

اخْتِیرْ نَفْسَكَ ۲: صُغِ اسْمُ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ مِنَ الْأَفْعَالِ النَّالِيَةِ:

۱- قَتَلَ (.....)(.....) ۲- نَظَرَ (.....)(.....) ۳- فَتَشَّ (.....)(.....)

۴- أَنْزَلَ (.....)(.....) ۵- اجْتَنَبَ (.....)(.....) ۶- اسْتَبَقَ (.....)(.....)

تست: ۱- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ الْفَاعِلِ أَوْ الْمَفْعُولِ:

(۱) «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا!»

(۲) مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.

(۳) إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ لَا تَنْقَطِعُ صَدَقَتُهُ الْجَارِيَّةُ.

(۴) الْمَوْسُوعَةُ مُعْجَمٌ كَبِيرٌ جِدًّا تَجْمَعُ كَثِيرًا مِنَ الْعُلُومِ.

پاسخ تست: گزینه (۲):

کلمه ی «مُجَالَسَةُ» به معنی «هم نشینی» مصدر باب مفاعله است و در این جمله بخاطر معنی اسم مفعول محسوب نمی شود. گزینه های دیگر: ۱- مَسْئُولٌ: اسم مفعول مجرد ۳- الْجَارِيَّةُ: اسم فاعل از ثلاثی مجرد. ۴- الْمَوْسُوعَةُ: اسم مفعول ثلاثی مجرد و مُعْجَمٌ: اسم مفعول ثلاثی مزید از وزن افعال و مصدر اِجْعَام است.

نکته مهم: هر اسمی که با «هُ» شروع شود غالباً اسم فاعل و یا اسم مفعول از ثلاثی مزید است؛ مگر وزن «مُفَاعَلَةٌ» که مصدر مزید است و چنانچه معنای مصدری دهد؛ اسم مفعول حساب نمی شود. مانند: مُشَاهَدَةٌ: دیدن، مصدر است.

۲- عَيْنُ الْخَبَرِ اسْمُ الْفَاعِلِ:

(۱) عَفْوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْئُولٌ تَنْظِيفِ الْغُرْفِ؟ (۲) لَيْسَتْ الْغُرْفُ نَظِيفَةً وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.

(۳) السَّيِّدُ دَمِشْقِيٌّ مُشْرِفٌ خَدَمَاتِ غُرْفِ الْفُنْدُقِ. (۴) فِي الْغُرْفَةِ الثَّلَاثَةِ الْمُكَيَّفِ لَا يَعْمَلُ.

پاسخ گزینه (۳):

گزینه ها: (۱) مَنْ: خبر مقدم است که وزن اسم فاعل را ندارد و مَسْئُول: مبتدا مؤخر است. (۲) عبارت «فِيهَا نَوَاقِصُ» فيها: خبر جار و مجروری مقدم است که وزن اسم فاعل را ندارد. نَوَاقِصُ: مبتدا مؤخر است. و اسم فاعل ثلاثی مجرد می باشد چون جمع «نَاقِصُ» است. (۳) السَّيِّدُ: مبتدا و مُشْرِفٍ بعنوان خبر اسم فاعل از ثلاثی مزید می باشد. (۴) المُكَيِّفُ: مبتدا و اسم فاعل ثلاثی مزید از باب تفعیل است. لَا يَعْمَلُ: خبر جمله فعلیه و وزن اسم فاعل نیست.

«خارج ۹۴»

۳- عَيْنُ اسْمِ الْفَاعِلِ مِنَ الْمَجْرَدِ الثَّلَاثِي:

(۲) هُوَ لِأَنَّ الْمُعَلِّمُونَ يَحَاوِلُونَ فِي سَبِيلِ تَعْلِيمِ التَّلَامِيذِ كَثِيرًا.

(۱) النَّاسُ فِي مَسِيرِ حَيَاتِهِمْ يَبْحَثُونَ عَنِ أَصْدِقَاءِ مُخْلِصِينَ.

(۴) كَانَتْ تِلْكَ الشَّجَرَةُ الْجَمِيلَةُ مُشْرِفَةً عَلَى دَارِنَا!

(۳) سَيَصِلُ الطَّلَابُ إِلَى أَهْدَافِهِمْ بِالْجُهْدِ وَالسَّعْيِ!

پاسخ تشریحی:

گزینه ها: (۱) مُخْلِصِينَ: اسم فاعلِ وزنِ إفعال، پس ثلاثی مزید است (۲) مُعَلِّمٌ: اسم فاعلِ وزنِ تفعیل پس ثلاثی مزید است. (۳) الطَّلَابُ جمعِ مَكْسُرٍ طالب است که اسم فاعل ثلاثی مجرد می باشد. (۴) مُشْرِفَةٌ: اسم فاعلِ بابِ إفعال می باشد.

راه سریع: در سه گزینه، مُخْلِصِينَ، الْمُعَلِّمُونَ و مُشْرِفَةٌ؛ با «م» شروع شده اند؛ پس در بابهای مزید می باشند ولی در گزینه (۲) کلمه ای وجود ندارد که با «م» شروع شده باشد.

نکته: برای تشخیص وزن های جمع مَكْسُرٍ باید مفرد آن ها را در نظر گرفت؛ مثلاً جُهَالٌ جمع جاهل و اسم فاعل ثلاثی مجرد است.

۴- عَيْنُ الْخَطَا عَنْ اسْمِ الْفَاعِلِ أَوْ اسْمِ الْمَفْعُولِ مِنَ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ:

شَكَرَ ← شَاكِرٌ، مَشْكُورٌ (۲) أَجْمَعَ ← جَامِعٌ، مَجْمُوعٌ  
تَعَلَّمَ ← مُتَعَلِّمٌ، مُتَعَلِّمٌ (۴) جَهَّزَ ← مُجَهِّزٌ، مُجَهَّزٌ

۴- گزینه (۲):

أَجْمَعَ بر وزن أَفْعَلٍ يُفْعِلُ إفعال است که حرف زیادی دارد؛ پس اسم فاعل و اسم مفعولش با «م» شروع

می شود: مُجْمَعٌ و مُجْمَعٌ؛ صحیح هستند.

اسم مبالغه اسمی است که بر کسی دلالت می کند که یک صفتی را زیاد در وجود خود دارد مثلاً وقتی می گوئیم: رَزَاقٌ؛ یعنی بسیار روزی دهنده [صفت روزی دهندگی در خداوند بسیار است].

اسم مبالغه وزن هایی دارد که دو وزنِ **فَعَالٌ** و **فَعَالَةٌ** از آن جمله هستند. به مثال های زیر توجه کنید:

**فَعَالٌ**: صَبَّارٌ: بسیار صبر کننده- وَهَّابٌ: بسیار بخشنده- كَذَّابٌ: بسیار دروغگو.

**فَعَالَةٌ**: عَلَّامَةٌ: بسیار دانا- صَبَّارَةٌ: بسیر صبرکننده- أَمَّارَةٌ: بسیار امر کننده.

نکته ۱: تاي گرد(ة) در آخر وزنِ **فَعَالَةٌ**؛ نشانه مؤنث نیست بلکه برای مبالغه بیشتر می آید برای مذکر و مؤنث یکسان است. مثال: رَجُلٌ عَلَّامَةٌ: مردی بسیار دانا/ إِمْرَأَةٌ عَلَّامَةٌ: زنی بسیار دانا.

نکته ۲: وزن **فَعَالٌ** و **فَعَالَةٌ** برای مشاغل نیز بکار می رود و اسم مبالغه هم به حساب می آید. مانند: قَصَّابٌ- بَقَّالٌ- خَبَّازٌ: نانوا- بَرَّازٌ و ... در اینجا «ة» نشانه مؤنث می باشد.

نکته ۳: وزن **فَعَالَةٌ** گاهی بر وسیله یا دستگاه انجام کار دلالت می کند و اسم مبالغه به حساب می آید. مانند: دَرَّاجَةٌ: دوچرخه؛ ثَلَّاجَةٌ: یخچال؛ فِتَّاحَةٌ: در بازکن؛ نَظَّارَةٌ: عینک؛ سَيَّارَةٌ: خودرو.

۵- عَيْنٌ ما ليس فيه اسم المبالغة:

(۱) ﴿الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾ (۲) ﴿مَا أَنَا بِظَلَامٍ﴾ (۳) ﴿يَا غَفَّارُ الذَّنُوبِ﴾ (۴) عُمَالُ الْمَعْمَلِ

۵- پاسخ تشریحی:

گزینه (۴): در گزینه (۴)؛ کلمه «عُمَالٌ» به معنای کارگران است و بر وزن «فَعَالٌ» است که می شود جمع مکسر اسم فاعل و جمع «عامل» است و اسم مبالغه محسوب نمی شود.

گزینه های دیگر: (۱) الخَلَّاقُ: بسیار آفریننده (اسم مبالغه) (۲) ظَلَامٌ: بسیار ستمگر (اسم مبالغه) (۳) غَفَّارٌ: بسیار آمرزنده (اسم مبالغه).